



The Role of Social Trust in the Motivation for Political Participation: A Study among the Youth of Yazd City, Iran

Fahimeh Sadeghi Sarcheshmeh^{1*}, Ali Morshedizad²

1. Master's Student in Islamic Revolution Sociology, Shahed University, Tehran, Iran (Corresponding Author); SadeghiFahime52@gmail.com
2. Associate Professor, Department of Political Science and Islamic Revolution Studies, Shahed University, Tehran, Iran; Morshedizad@shahed.ac.ir

Original Article

Abstract

Background and Aim: Social trust and political participation are key factors for enhancing social cohesion and promoting the desirability of social changes, as they facilitate civic participation and collective action. This research explores the impact of social trust on the political participation of young people in Yazd city, Iran. The theoretical framework of the research is based on the theories of Paul Elzarsfland, Habermas, Inglehart, Coleman and Lipset.

Methods and Data: This research uses a survey method to collect data from 400 young people in Yazd city, Iran. The research conducted among men and women aged 18 to 35 who have lived in Yazd city for at least five years and have participated in the elections at least once.

Findings: The research measures trust in different domains including interpersonal relationships, political actors and institutions, educational institutions, service institutions, economic institutions, and religious institutions. The research finds that only interpersonal trust and trust in educational institutions moderately to highly correlate with political participation. The study also finds that only past electoral participation is moderately to high among the respondents. Our analysis reveals a significant relationship between the independent variables (types of trust) and the dependent variable (level of political participation).

Conclusion: The research reveals that trust in the political system is the most important factor that influences political participation, while education is the least important factor. This result suggests that trust in the political system is a key determinant of political engagement among young people.

Keywords: Political participation, Social trust, Motivation, Youth, Elections.

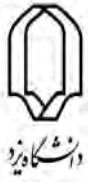
Key Message: This research demonstrates that political participation and social trust are positively related. This means that any factor that increases trust in society will also increase political participation.

Received: 17 December 2022

Accepted: 14 September 2023

Citation: Sadeghi Sarcheshmeh, F., & Morshedizad, A. (2023). The Role of Social Trust in the Motivation for Political Participation: A Study among the Youth of Yazd City, Iran. *Journal of Social Continuity and Change*, 2(2), 451-473. <https://doi.org/10.22034/jscc.2023.19395.1055>





نقش اعتماد اجتماعی در انگیزه مشارکت سیاسی جوانان شهر یزد

فهیمه صادقی سرچشمه^{۱*}، علی مرشدی زاد^۲

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول): SadeghiFahime52@gmail.com

۲- دانشیار گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران: Morshedizad@shahed.ac.ir

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی، عوامل اساسی برای حفظ انسجام اجتماعی و ارتقاء مطلوبیت تغییرات اجتماعی هستند، زیرا مشارکت مدنی و حرکت‌های جمعی را تقویت می‌کنند. این پژوهش به بررسی نقش اعتماد اجتماعی جوانان شهر یزد بر انگیزه آن‌ها برای مشارکت سیاسی پرداخته است. چارچوب نظری تحقیق براساس نظریات پل لازارسفلند، هابرماس، اینگلههارت، کلمن و لیپست است.

روش و داده‌ها: روش پژوهش از نوع پیمایشی بوده و داده‌ها از طریق پرسشنامه (براساس فرمول کوکران ۴۰۰ نفر) جمع‌آوری شدند. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه مردان و زنان ۱۸ تا ۳۵ ساله می‌باشد که در زمان پژوهش و طی پنج سال گذشته در شهر یزد سکونت داشته و حداقل یک‌بار فرصت شرکت در انتخابات را داشته‌اند.

یافته‌ها: از میان انواع اعتماد (اعتماد بین‌شخصی، تعمیم‌یافته، اعتماد به کنشگران سیاسی، نظام سیاسی، نهادهای سیاسی، نهادهای آموزشی، نهادهای خدماتی، نهادهای اقتصادی و نهادهای مذهبی) فقط میانگین گویه‌های مربوط به اعتماد بین شخصی و نهادهای آموزشی متوسط به بالا بود. همچنین گویه‌های مربوط به انواع مشارکت سیاسی (مشارکت سیاسی انتخاباتی آینده، گذشته، غیرانتخابی و منفی) فقط مشارکت سیاسی انتخاباتی گذشته متوسط به بالا بود. همچنین یافته‌های تحقیق نشان داد که بین متغیرهای مستقل با میزان مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری: به‌طور کلی نتایج این پژوهش نشان داد که بیشترین و کمترین عامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی مربوط به متغیرهای اعتماد به نظام سیاسی و تحصیلات می‌باشد.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی، اعتماد اجتماعی، انگیزه، جوانان، انتخابات.

پیام اصلی: از آنجایی که رابطه بین مشارکت سیاسی با اعتماد اجتماعی مثبت معنادار می‌باشد، می‌توان عنوان نمود عواملی که منجر به افزایش انواع اعتماد در جامعه می‌شوند، زمینه افزایش مشارکت سیاسی را به همراه خواهند داشت.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۶

ارجاع: صادقی سرچشمه، فهیمه و مرشدی زاد، علی (۱۴۰۲). نقش اعتماد اجتماعی در انگیزه مشارکت سیاسی جوانان شهر یزد، *تداوم و تغییر اجتماعی*، ۲(۲)،

<https://doi.org/10.22034/jscc.2023.19395.1055>. ۴۵۱-۴۷۳



مقدمه و بیان مسأله

از مهم‌ترین ملاک‌های جوامع مردم‌سالار، بالابودن سطح مشارکت سیاسی شهروندان است. مشارکت سیاسی ابعاد گوناگونی را در بر می‌گیرد که رأی‌دادن نمونه‌ای از آن می‌باشد که نقش ویژه و اساسی در استحکام و تقویت دموکراسی دارد. با مطالعه تاریخ سیاسی و اجتماعی کشورها متوجه رفتار سیاسی مردم هر منطقه خواهیم شد که چه عواملی باعث حضور مردم در عرصه سیاسی و اجتماعی می‌شود. عوامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی شهروندان، همگی ریشه در شرایط جامعه‌ای است که مردم در آن زندگی می‌کنند. مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر بر روی مشارکت سیاسی، اعتماد اجتماعی است (شارع پور، ۱۳۸۵: ۱۵).

اعتماد اجتماعی، یکی از پیش‌نیازهای مهم جوامع مدرن در به وجود آمدن جامعه‌ای با دموکراسی پایدار است که باعث افزایش همکاری در رفتارهای اجتماعی شده و با توجه بیشتر به منافع جمعی، همبستگی ملی را به ارمغان می‌آورد. برعکس، با کم‌رنگ‌شدن آن آسیب‌های اجتماعی افزایش می‌یابد و نهادهای اجتماعی عملکرد نامطلوبی (پول‌شویی، رشوه، اختلاس و...) داشته و بنیان حکومت مردم‌سالار سست خواهد شد؛ از این رو، پایین‌بودن میزان مشارکت سیاسی تا حدودی از نوعی بی‌اعتمادی سرچشمه می‌گیرد. در این شرایط که بی‌اعتمادی بر جامعه حاکم است، شهروندان توانایی تشخیص دوست از دشمن را نداشته و نمی‌دانند که حرف چه کسی قابل اعتماد و خیر و مصلحت جمعی در کدام بیان است. شرایط ایجادشده بهترین فرصت برای دشمنان است تا در لباس دوست و به قصد اصلاح و برداشتن گامی مؤثر در کشور نقشه‌های شوم خود را عملی کنند و با کمترین زحمت به جامعه هدف ضربه بزنند؛ به همین دلیل توجه به موضوع اعتماد و به‌ویژه اعتماد اجتماعی موضوعی مهم در جوامع به شمار می‌آید. به‌نظر می‌رسد ریشه اصلی پایین‌بودن فعالیت سیاسی این است که مردم اعتماد زیادی به فعالیت خود که سبب تغییری جدی در وضعیت جامعه شود، ندارند. آن‌ها بر این باورند که هر کسی از هر جناحی و با هر مرامی رأی بیاورد، تغییری در شرایط اقتصادی، زندگی روزمره و شاخص‌های کلی‌تر مانند آزادی بیان، بهبود وضعیت اقلیت‌ها و قومیت‌ها و... ایجاد نخواهد کرد (Rose, 1999: 78).

با توجه به مباحث اشاره شده و همچنین نظر به مشکلات جامعه نوین باید به شکل‌گیری و تقویت بسترهای مناسبی که انگیزه مشارکت سیاسی را افزایش دهد، توجه داشت تا شاهد مشارکت گسترده و پیشرفت مردم در عرصه‌های گوناگون باشیم. به‌ویژه نسل جوان که فعالیت بیشتری در جامعه دارند. از این رو اعتمادسازی نسبت به نهادهای حکومتی موضوعی است که به عزم جدی و سیاست‌گذاری دولت نیاز دارد. بنابراین، پرسش اصلی تحقیق این است که چه ارتباطی بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین جوانان شهر یزد وجود دارد؟

پیشینه نظری و تجربی پژوهش

در ادامه به مرور خلاصه‌ای از نظریات در زمینه مشارکت سیاسی و اعتماد اجتماعی پرداخته می‌شود و بعد از آن با ارائه پیشینه داخلی و خارجی به بررسی دقیق مطالعات گذشته در این زمینه خواهیم پرداخت:

پل لازارسفند و تیم تحقیقاتی او جهت تحلیل رفتار انتخاباتی به پژوهش میدانی پرداخته و به این نتیجه رسیدند که رأی‌دهندگان مدت‌ها قبل از شروع تبلیغات نامزدها در انتخابات، تصمیم خود را گرفته و کاندیدای خود را انتخاب کرده‌اند و تبلیغات، تأثیر کمی بر رفتار رأی‌دهندگان خواهد گذاشت. به بیان دیگر، رفتار رأی‌دهندگان ریشه در شرایط فرهنگی، جو حاکم بر خانواده و زندگی شغلی آنان دارد؛ و عواملی مانند تبلیغات نمی‌تواند بر گرایش‌های ثابت آنان تأثیر چندانی داشته باشد و دیدگاه و نظر خود را بر آنان تحمیل کند (بصیری و شادی‌وند، ۱۳۸۰: ۱۹۰).

یورگن هابرماس از نظریه‌پردازان مکتب فرانکفورت است. او سه نوع کنش را معرفی و تفکیک می‌نماید: ۱) کنش ابزاری؛ اشاره به موقعیت‌های غیراجتماعی دارد و در روابط بین فردی عقلانیت ابزاری را به همراه دارد، یعنی فرد در پی کسب سود و رسیدن به اهداف شخصی خود است؛ ۲) کنش استراتژیک: کنشی عقلانی و هدفمند است که توسط یک جمع دو نفره یا بیشتر از آن انجام می‌شود؛ که افراد جهت رسیدن به یک هدف با هماهنگی یکدیگر به فعالیت می‌پردازند تا به نتیجه برسند. مانند کنش‌های که با هدف موفقیت و رسیدن به یک هدف، درون سازمان‌ها صورت می‌گیرد؛ و ۳) کنش ارتباطی: دنبال رسیدن به تفاهم است و افراد به دنبال سود شخصی نیستند بلکه اهداف خود را در شرایطی دنبال می‌کنند که بتوانند برنامه‌های کنشی خود را با هماهنگی تعاریف موقعیت، مشترک سازند و این واکنش بنیادین و عقلانی است که سبب دستیابی همگان به فرصت مشارکت در مباحث، مشارکت در تصمیم‌گیری نهایی و استفاده از ابزارهای خرد می‌شود (نقل از سفیری و صادقی، ۱۳۸۸).

از نظر او حوزه عمومی همان فضایی است که کنش ارتباطی در آن صورت می‌یابد و شامل قلمرویی از زندگی اجتماعی انسان‌هاست که توان شکل‌دهی چیزی در برخورد با افکار عمومی را داشته باشد. در مواقعی که افراد جامعه در منافع عمومی و مسائل مورد علاقه خود، با آزادی بیان در اجتماعات با هم گفتگو می‌کنند رفتار آن‌ها به صورت حوزه عمومی است. هابرماس حوزه عمومی را یکی از مؤلفه‌های جهان مدرن می‌داند. علت تأکید هابرماس بر این حوزه تداوم حیات جامعه است که وابسته به عملکرد درست ساختارهای ارتباطی است که در صورت وجود، سبب مشروعیت اجتماعی می‌شود و اصل دسترسی به وفاق اجتماعی را ممکن می‌سازد. مفاهیم اصلی تفکر هابرماس شامل، مشارکت و تلاش همگانی در ارائه چهره زیبا از یک (جامعه جهانی بهتر) جامعه‌ای که با فراهم کردن امکانات بیشتر شادی، صلح و همبستگی را برای همه افراد جامعه فراهم می‌کند (سفیری، ۱۳۸۸: ۷). به‌طور کلی، منظور هابرماس از امکانات، وجود سازمان و مجامع جامعه مدنی است که علاوه بر داشتن نقش ابزار واسطه میان دولت و افراد، به‌عنوان پتانسیل جامعه جهت شکوفایی دموکراسی کاربرد دارد؛ چرا که شرط اصلی دموکراسی مشارکت شهروندان است و مشارکت آنان نیز در قالب این انجمن‌ها صورت می‌گیرد (سفیری، ۱۳۸۸).

سی‌مور مارتین لیپست آثار زیادی در رابطه با مشارکت و عوامل مرتبط با آن نوشته است او در یکی از آثار خود سعی دارد تا در دو سطح توصیف و تبیین مدلی، به نسبت جامع از عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی و شرکت در انتخابات ارائه دهد. به‌طور کلی نتایج او به این شرح است که الگوی مشارکت سیاسی در کشورهای مختلف همانند یکدیگر است.

جیمز کلن معتقد است که اعتماد گونه‌ای از انتظار به شمار می‌رود که بر حسب سود و زیان بدست می‌آید که توسط انسان‌های محاسبه‌گر و عقلانی نسبت به فرد یا گروهی از افراد یا سازمان‌ها برآورده می‌شود. کلن در توضیح نظام‌های اعتماد، این نظام‌ها را مستلزم وجود دو یا سه کنشگر دانسته اما در سطح کلان، بررسی پدیده‌ها را در گرو فرارفتن از تعداد محدود و در نظر گرفتن تعداد زیادی از افراد می‌داند. کلن در این نظریه دو نوع سیستم بزرگتر را یادآور می‌شود، نوع اول، شامل اجتماعی است که از روابط به هم پیوسته اعتماد متقابل تشکیل شده و نوع دوم سیستمی را شامل می‌شود که از روابط اعتماد مشورتی ساخته شده است (کلن ۱۳۷۷: ۲۸۷). کلن در بالا و یا پایین بودن نتایج میزان اعتماد، معتقد است که وجود اعتماد، منابعی را در اختیار افراد امین قرار می‌دهد و قدرت عمل را آسان می‌کند؛ و اگر افراد امین، معتمد باشند، برقراری ارتباط، برای اعتمادکنندگان نیز سود به همراه دارد (کلن ۱۳۷۷: ۲۹۷). به نظر کلن، افزایش بیش از حد اعتماد، یعنی اعتماد زیاد به افراد امینی که قابل اعتماد نیستند، به جای منفعت، برای اعتمادکنندگان زیان به بار می‌آورد.

اینکلهارت اعتماد متقابل بین افراد جامعه را نشانه یک جامعه توسعه یافته و دارای فرهنگ پایدار معرفی می کند. او در کتاب «تحول فرهنگی در جامعه صنعتی پیشرفته» سعی در پاسخ به این پرسش دارد که چه میزان تفاوت های فرهنگی در اعتماد متقابل وجود دارد؟ یافته های او بیانگر آن است که سطح اعتماد هر جامعه متفاوت و حتی در مناطق مختلف یک کشور تفاوت های فرهنگی وجود دارد (اینکلهارت، ۱۳۸۲: ۳۶). از نظر او اعتماد یک ویژگی فردی نیست، بلکه یک ارمغان فرهنگی است که از انباشت تجربه های تاریخی مردم در دراز مدت ایجاد می شود؛ و در هر موقعیت و زمانی تغییر می یابد (اینکلهارت، ۱۳۸۲: ۳۸). وی معتقد است اعتماد متقابل، مانند زندگی سالم با توسعه اقتصادی ارتباط مستقیمی دارد اما معیاری که نشان دهد کدام یک تأثیرگذار است وجود ندارد؛ یعنی اعتماد متقابل سبب توسعه اقتصادی می شود یا بالعکس آن. او معتقد است که رابطه معناداری بین اعتماد متقابل با دموکراسی وجود دارد. از نظر او وجود عواملی که باعث پایین بودن اعتماد است موجب عدم پذیرش نظام سیاسی موجود توسط افراد جامعه شده و آنان حامی گروه های چپ یا راست افراطی می شوند. او اظهار دارد که اعتماد متقابل، رضایت از زندگی و اوضاع سیاسی، حمایت از نظام اجتماعی و... همه با هم هستند؛ این ها همه نشانه های نگرش مثبت و رضایتمندی از زندگی است. نکته قابل توجه این که این نشانه ها رابطه مستقیمی با بقا یا عدم بقای نهادهای دموکراتیک دارد. او در تفسیر این رابطه چنین می گویند: «نهادهای دموکراتیک در جوامعی که اعتماد متقابل و رضایت از زندگی در آن بالاست، پذیرفته شده تر هستند نسبت به جوامع که میزان رضایت از زندگی و اعتماد متقابل آن کم است» (اینکلهارت، ۱۳۸۲: ۳۹-۴۴).

پژوهش های تجربی متعددی در رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی در داخل و خارج انجام شده که در ادامه به بررسی نتایج برخی از آن ها پرداخته می شود. نیازی و همکاران (۱۳۹۹) در بررسی اثر دین داری و مشارکت سیاسی شهروندان ایرانی (مردان و زنان ایرانی) که به صورت پیمایشی انجام شده بود، گزارش دادند که اندازه ضریب تأثیر دین داری بر مشارکت سیاسی ۰/۳۳ است، این میزان تأثیر بر حسب نظام تفسیری کوهن در حد متوسط ارزیابی شد. به طور کلی آن ها گزارش دادند که متغیر دین داری نیز بر مشارکت سیاسی مؤثر است و این میزان در بین زنان تا حدودی کمتر از مردان است.

کشاورزی و عربی (۱۳۹۹) در بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم در کشور ایران گزارش دادند که گشودگی سیاسی و به تبع آن تصور اثربخش بودن مشارکت، همچنین رسانه ها و عضویت در انجمن ها و تشکل ها از مهم ترین عوامل افزایش مشارکت سیاسی متعارف شهروندان بوده است.

رئسی و همکاران (۱۳۹۹) در بررسی مهم ترین عوامل بازدارنده در مشارکت سیاسی بانوان منطقه سیستان و بلوچستان با استفاده از روش های پژوهش کیفی و رویکرد نهادگرایی، گزارش دادند که موانع مشارکت سیاسی زنان منطقه بلوچستان از دو نگاه درخور توجه هستند؛ نگاه نخست متوجه موضع گیری نهادهای رسمی به زنان است و نگاه دوم فرهنگ بلوچ را در نسبت با زنان شرح می دهد. موانع اصلی در کاهش مشارکت سیاسی را نهادهای غیررسمی یا ناملموس همانند فرهنگ پدر/مردسالاری و بخشی از باورهای سنتی می باشد؛ باورهایی که از سویی علت خودناباوری زنان در فعالیت های سیاسی شناخته می شوند. با وجود این، نهادهای مشارکتی از جمله شوراهای اسلامی شهر و روستا موفق شده اند اثربخشی نفوذ نهادهای غیررسمی را با مرور زمان بر مشارکت سیاسی زنان بلوچ کاهش دهند.

صالح آبادی (۱۳۹۹) به بررسی رابطه سطح تحصیلات، فرهنگ سیاسی و مشارکت انتخاباتی با استفاده از دیدگاه انتقادی و تحلیل فضای کنش براساس داده های اسنادی ۳۱ استان کشور و ۴۲۹ شهرستان در سال ۱۳۹۵ و میزان مشارکت در انتخابات دوره دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری پرداخت. نتایج حاصل نشان داد که بین مشارکت انتخاباتی و مشارکت سیاسی تمایز اساسی وجود دارد و

برخلاف نظریه مدرنیسم بین سواد (تحصیلات) و مشارکت انتخاباتی (نه مشارکت سیاسی) رابطه خطی وجود ندارد. با افزایش تحصیلات تا سطح دیپلم، مشارکت انتخابی افزایش و با افزایش تحصیلات دانشگاهی، میزان مشارکت انتخاباتی کاهش می‌یابد.

ساک (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی نقش شبکه استانی آفتاب در مشارکت سیاسی مردم شهر اراک (کلیه افراد واجد شرایط رأی‌دادن) به روش پیمایشی پرداخت. نتایج نشان داد که بین میزان تماشای شبکه آفتاب و مشارکت سیاسی رابطه مثبت و معنادار وجود داشته و شبکه آفتاب توانسته در افزایش مشارکت سیاسی مردم شهر اراک موفق عمل نماید.

خواجهمهری و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی به تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر در رأی‌دهی قوم ترکمن به گفتمان اعتدال در انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی نامزد، انتظارات انتخاباتی، اثرپذیری از معتمدان سیاسی دینی، قرابت با ایدئولوژی‌های مذهبی قومی، روند تحولات جهانی منطقه و شبکه‌های مجازی، بیشترین تأثیر را در رأی‌دهی قوم ترکمن به گفتمان اعتدال در انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری داشته‌اند.

باقری و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیق به بررسی رابطه مطالعات سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی با استفاده از رویکرد فراتحلیل پرداختند. آن‌ها گزارش دادند که هرچقدر از زمان انقلاب اسلامی می‌گذرد رابطه سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی در حال افزایش است و این نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی از مهم‌ترین متغیرهای مرتبط با مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران بوده و در برنامه‌ریزی‌های کشوری باید به این مهم توجه شود، و زمینه افزایش سرمایه اجتماعی را از طریق اعتمادسازی، بالابردن سطح آگاهی و ترغیب شهروندان به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی آماده‌سازی شود.

گوکی‌وا و همکاران (۲۰۱۹) با هدف تعیین رابطه بین مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه در طول دوران تحصیل و مشارکت سیاسی در بزرگسالی پژوهشی در کشور روسیه انجام دادند. آن‌ها گزارش دادند که مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه در طول تحصیل، به‌ویژه در انجمن‌های سیاسی، بر مشارکت سیاسی آینده جوانان تأثیر مثبت می‌گذارد. میزان تحصیلات و درآمد نیز تأثیرات مثبتی بر مشارکت سیاسی دارد. به‌طور کلی گزارش شد که در کشور روسیه، جوانان شاغل با احتمال کمتری نسبت به افراد بیکار رأی می‌دهند، درحالی‌که در کشوری همچون بلاروس خلاف این موضوع مشاهده می‌شود.

احمد و همکاران (۲۰۱۹) با توجه به گزارش‌های موجود در پاکستان مبنی بر این‌که رسانه‌های اجتماعی مشارکت سیاسی آنلاین و آفلاین افراد را تحریک می‌کنند، تحقیقی با هدف بررسی چگونگی فعالیت‌های سیاسی آنلاین بر کارایی سیاسی و مشارکت سیاسی واقعی و همچنین رابطه بین فعالیت‌های سیاسی و آگاهی سیاسی در میان دانشجویان دانشگاهی در روستاهای کشور پاکستان انجام دادند. آن‌ها گزارش کردند که اکثر دانشجویان از رسانه‌های اجتماعی برای آگاهی و اطلاعات سیاسی استفاده می‌کنند. رسانه‌های اجتماعی یک بستر حیاتی برای کاربران اینترنتی برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی ایجاد کرده‌اند. آن‌ها همچنین گزارش دادند که فعالیت‌های سیاسی آنلاین به شدت با آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی آفلاین مرتبط است و به این نکته اشاره داشتند که در مناطق روستایی کشور پاکستان، جوانان در رسانه‌های اجتماعی برای شرکت در رویدادهای سیاسی آنلاین و آفلاین بسیار فعال هستند.

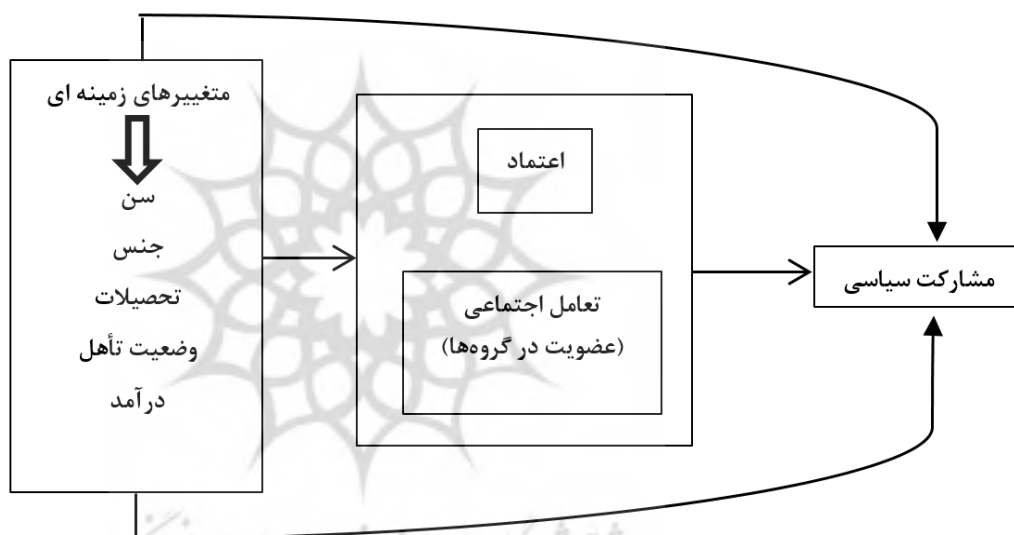
عرفان (۲۰۲۱) با هدف بررسی تأثیر مشارکت سیاسی جوانان افغان در فیس بوک و همچنین تأثیر جنسیت، سن و وضعیت شغلی بر مشارکت سیاسی و مشارکت سیاسی جوانان افغان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۹ در فیس‌بوک پژوهشی را انجام داد. نتایج نشان داد که جوانان افغان به‌طور فعال در فعالیت‌های سیاسی فیس‌بوک شرکت نمی‌کنند، اگرچه هر روز حداقل نیم ساعت را در

فیس‌بوک می‌گذرانند. آن‌ها درگیر فعالیت‌های سیاسی کم‌هزینه و کم‌خطر هستند، علاوه بر این، جنسیت، سن، و وضعیت شغلی شرکت‌کنندگان تأثیر قابل‌توجهی بر فراوانی استفاده از فیس‌بوک در مشارکت سیاسی داشت.

با توجه به نظریات و پژوهش‌های بررسی شده در مورد اعتماد اجتماعی به‌عنوان متغیر مستقل و مشارکت سیاسی به‌عنوان متغیر وابسته، در این پژوهش به بررسی عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی پرداخته می‌شود (شکل ۱) و در پی آزمون این فرضیات تحقیق می‌باشیم:

(۱) بین انگیزه مشارکت در انتخابات و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد؛

(۲) بین عوامل و متغیرهای زمینه‌ای (سطح تحصیلات، جنسیت، درآمد، سن، وضعیت تأهل و...) و انگیزه مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.



شکل ۱- مدل پژوهش (اعتماد اجتماعی به‌عنوان متغیر مستقل و مشارکت سیاسی به‌عنوان متغیر وابسته)

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و روش غالب در این تحقیق کمی-پیمایشی بود. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسش‌نامه استاندارد بود (بابائی‌زاده‌بائی، ۱۳۸۹). در ادامه به تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش اشاره می‌شود:

اعتماد اجتماعی: فرهنگستان معین واژه اعتماد را سپردن چیزی به کسی، تکیه کردن بر واگذاشتن کار به کسی معنا کرده است و واژه اعتماد کردن را به معنای اطمینان کردن و وثوق به کسی به کار برده است (مجددی، ۱۳۸۳: ۳۰۴). در فرهنگ انگلیسی اکسفورد، اعتماد به‌عنوان اطمینان به حقیقت یک گفته، یا اطمینان به نوعی صفت، کیفیت یا چیز گفته شده است (زتومکا، ۱۳۸۷: ۷۷-۸۵).

اعتماد اجتماعی مجموعه‌ای از توقعات، تعهدات کسب‌شده و تأییدشده از نظر اجتماعی که افراد نسبت به نهادها و سازمان‌های مربوط به زندگی اجتماعی خود دارند که در برگیرنده پنج بُعد (اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته (اعتماد به غریبه‌ها)، اعتماد به نظام سیاسی، اعتماد به کنشگران سیاسی، اعتماد نهادی) می‌باشد. اعتماد تعمیم‌یافته (اعتماد به غریبه‌ها) به معنای گمان نیک به افراد جامعه بدون در نظر گرفتن این که آن فرد به گروه قومی و قبیله‌ای خود ارتباطی داشته باشد؛ اعتماد بین شخصی به صورت چهره‌به‌چهره شکل می‌گیرد. مانند اعتماد به همکاران، خانواده، دوستان، و ...؛ اعتماد نهادی عبارت است از داشتن حسن ظن به نهادهای آموزشی، سیاسی، خدماتی، مذهبی، اقتصادی و اعتقاد به توانایی این نهادها در حل مشکلات و نیز رضایت‌مندی کلی از عملکردهای آنهاست، که خود به پنج بُعد فرعی اعتماد به نهادهای آموزشی، اعتماد به نهادهای سیاسی، اعتماد به نهادهای خدماتی، اعتماد به نهادهای مذهبی و اعتماد به نهادهای اقتصادی تقسیم می‌شود. اعتماد به نظام سیاسی به معنای داشتن نگرش مثبت نسبت به کلیت نظام می‌باشد. اعتماد به کنشگران سیاسی دربرگیرنده اعتماد به کسانی که نقش‌های سیاسی را بر عهده دارند.

مشارکت سیاسی: به‌طور کلی مفاهیم علوم انسانی تعریف ثابت و جامعی ندارند، مفهوم مشارکت سیاسی نیز بر همین مبنا است. در دایره‌المعارف علوم اجتماعی مشارکت سیاسی به انتخاب رهبران سیاسی توسط افراد و شرکت در امور سیاسی تعریف شده است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۲۲). مشارکت سیاسی به هر شکلی از فعالیت سیاسی خودجوش جهت برگزیده‌شدن خود و برگزیده‌شدن دیگران برای موقعیت‌های سیاسی جامعه، رابطه با احزاب، تأثیر در ایجاد سیاست‌ها و برنامه‌های مردمی و در نهادها و نظام سیاسی جامعه گفته می‌شود که در دو بُعد سنجیده شده است: ۱) بُعد ذهنی مشارکت: به نوع خیال و گمان افراد جهت شرکت در فعالیت‌های سیاسی است که قبل از هرگونه فعالیتی یاری‌کننده فرد است تا به بررسی وضعیت‌های سیاسی واقعی یا بالقوه بپردازد. مانند تمایل به شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، تمایل به شرکت در راهپیمایی‌ها، تمایل به عضویت در احزاب سیاسی و انجمن‌ها. ۲) بُعد عینی مشارکت: جنبه دیگر، مشارکت سیاسی عینی است؛ یعنی عضویت و درگیرشدن در فعالیت‌هایی که بنا به تعریف مشارکت سیاسی تلقی می‌شوند و به‌صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری بروز می‌کند از قبیل مشارکت در جلسات عمومی، شرکت در نظرسنجی عمومی، حضور در انتخابات و ...

در پژوهش حاضر، از دو نوع مشارکت سیاسی رسمی و غیررسمی برای سنجش مشارکت جوانان بهره گرفته شده است: بُعد رسمی مشارکت: به فعالیتی که افراد جامعه به هدف حمایت از نظام سیاسی و تأثیرگذاری بر آن در چارچوب‌های مشخص که به‌طور رسمی و برنامه‌ریزی شده توسط نهادهای رسمی و سازمان‌های کشور فعالیت دارند، انجام می‌دهند. مشارکت در تظاهرات و راهپیمایی‌های سیاسی، شرکت در انتخابات مختلف و ... (امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸). بُعد غیررسمی مشارکت: به فعالیت خودجوش که افراد جامعه با هدف حمایت و تأثیرگذاری بر نظام سیاسی در چارچوب‌های مشخص که به‌طور رسمی و برنامه‌ریزی شده توسط نهادهای رسمی و سازمان‌های کشور انجام می‌دهند و شامل هرگونه فعالیت سیاسی است که در جریان کنش متقابل بین اعضای جامعه و در رابطه آنها با حکومت انجام می‌شود و شکل ساخت از پیش طراحی شده و برنامه‌ریزی شده ندارد. در این زمینه می‌توان اقداماتی از قبیل رأی‌گیری از افراد، حضور در تظاهرات، نوشتن نامه‌ها، امضای طومار و ... نام برد (امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸۹).

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه جوانان ۱۸-۳۵ ساله یزدی (حدود ۱۹۰ هزار نفر) می‌باشد. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۳۸۳ نفر برآورد شد و روش به کار رفته نیز روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. با توجه به شیوع ویروس کرونا برای تکمیل

بخشی از پرسش‌نامه‌ها از پرس‌لاین (پرسشنامه الکترونیکی) نیز استفاده شد. در نهایت، پس از حذف پرسش‌نامه‌های ناقص، ۴۰۰ عدد پرسشنامه برای تجزیه و تحلیل استفاده گردید؛ برای سنجش پایایی ابزار پژوهش نیز از آلفا کرونباخ استفاده شد (جدول ۱ و ۲). در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. نتایج به صورت آمار توصیفی شامل شاخص‌های پراکندگی (انحراف معیار) و شاخص‌های تمایل به مرکز (میانگین، توزیع‌های فراوانی مطلق، نسبی و تراکمی) و آمار استنباطی (آزمون T، ضریب همبستگی، رگرسیون چند متغیره و ...) ارائه شد.

جدول ۱- ضریب آلفا کرونباخ برای گویه‌های مربوط به مفهوم اعتماد اجتماعی

آلفای کرونباخ	گویه‌ها	ابعاد فرعی	ابعاد اصلی	مفهوم
۰/۷۱۸	اعتماد به اعضای خانواده، اعتماد به خویشاوندان، اعتماد به دوستان، اعتماد به همسایگان، اعتماد به همکاران		اعتماد بین شخصی	اعتماد اجتماعی
۰/۷۳۰	ضایع کردن حق توسط دیگران، دادن تلفن همراه به فرد غریبه، میزان صداقت مردم، کمک به فرد غریبه در شب، میزان اعتماد به مردم، قرض دادن پول به فرد غریبه، سوار کردن غریبه در شب، یکی بودن ظاهر و باطن افراد، برگرداندن کیف گم شده توسط دیگران		اعتماد تعمیم یافته	
۰/۹۲۳	اعتماد به رئیس جمهور، اعتماد به اعضای شورای شهر و روستا، اعتماد به شهردار، اعتماد به نمایندگان مجلس، اعتماد به فرماندار، اعتماد به استاندار		اعتماد به کنشگران سیاسی	
۰/۹۲۴	احساس غرور به خاطر زندگی در جمهوری اسلامی ایران، دفاع از کشور در صورت بروز جنگ، دادن رأی به جمهوری اسلامی در صورت برگزاری رفراندوم، دفاع از مواضع نظام در امور داخلی، حفظ دین و دنیای مردم توسط، قانون اساسی، دفاع از مواضع نظام در امور خارجی، نقش مردم در تصمیم‌گیری‌های نظام، به نفع مردم بودن عملکرد نظام		اعتماد به نظام سیاسی	
۰/۸۸۵	نیروی انتظامی، ارتش، شورای شهر و روستا، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، مطبوعات داخلی، دولت، صدا و سیما، مجمع تشخیص مصلحت نظام، سپاه پاسداران	سیاسی		اعتماد نهادی
۰/۷۲۲	مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی	آموزشی		
۰/۷۸۸	بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، اداره ثبت اسناد، اداره آب و فاضلاب، اداره برق، مخابرات	خدماتی		
۰/۹۰۵	هیئت‌های مذهبی، انجمن‌های اسلامی، روحانیت، حوزه‌های علمیه، اوقاف، ستادهای امر به معروف و نهی از منکر	مذهبی		
۰/۷۱۲	صندوق‌های قرض الحسنه، کارخانه‌های تولیدی، بانک‌ها، بازار، بازار بورس	اقتصادی		

جدول ۲- ضریب آلفا کرونباخ برای گویه‌های مربوط به مشارکت سیاسی

متغیر	ابعاد	مؤلفه	مؤلفه فرعی	گویه‌ها	آلفای کرونباخ
مشارکت سیاسی	مثبت	انتخاباتی	گذشته	شامل انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شورای شهر و روستا، خبرگان	۰/۹۰۱
			آینده	شامل انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شورای شهر و روستا، خبرگان	۰/۹۶۴
	منفی	غیرانتخاباتی		شرکت در راهپیمایی، متقاعد کردن دیگران برای رأی‌دادن به یک کاندیدا، حمایت از جناح سیاسی خاص، شرکت در بحث‌های سیاسی، شرکت در جلسه سخنرانی کاندیداهای فعالیت در ستادهای انتخاباتی، ارتباط با سیاستمداران، عضویت رسمی یک حزب، تلاش برای دریافت یک پست سیاسی	۰/۸۲۶
				مخالفت با بحث‌های سیاسی در نشست خانوادگی، سرزنش دیگران به‌خاطر هواداری از جناح‌های سیاسی، سرزنش دیگران به‌خاطر عضویت در احزاب، سرزنش دیگران به‌خاطر فعالیت در ستاد انتخاباتی، تحسین دیگران به‌خاطر قطع رابطه با سیاستمداران، سرزنش دیگران به‌خاطر حضور در سخنرانی کاندیداهای، سرزنش دیگران به‌خاطر شرکت در انتخابات، شرکت در راهپیمایی اعتراضی، سرزنش دیگران به‌خاطر دریافت پست سیاسی، عضویت در احزاب سیاسی فاقد مجوز	۰/۸۱۰

یافته‌ها

در ابتدا خلاصه‌ای از متغیرهای زمینه‌ای (وضعیت تأهل، جنسیت و سطح تحصیلات) پاسخ‌گویان مورد بررسی قرار گرفت. از بین پاسخ‌گویان زن ۳۷/۳ درصد مجرد و ۶۲/۷ درصد آنها متأهل هستند. در مورد پاسخ‌گویان مرد باید گفت که ۶۶/۸ درصد آنها مجرد و ۳۳/۲ درصد متأهل‌اند. در مجموع ۵۲/۰ درصد پاسخ‌گویان مجرد و ۴۸/۰ درصد آنها متأهل بودند.

سطح تحصیلی ۵۲/۲ درصد پاسخ‌گویان زن، فوق‌دیپلم و لیسانس و سطح تحصیلی ۲۳/۹ درصد آنها فوق‌لیسانس و دکتری است. در رابطه با مردان باید گفت که سطح تحصیلی ۷۰/۳ درصد آنها فوق‌دیپلم و لیسانس و سطح تحصیلی ۱۴/۶ درصد آنها فوق‌لیسانس و دکتری می‌باشد. ۲۳/۹ درصد زنان و ۱۵/۱ درصد مردان، دیپلم و پایین‌تر دارند.

در این قسمت به بررسی نتایج توصیفی فراوانی و میانگین انواع اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی پرداخته شد. نتایج نشان داد که (جدول ۳) اعتماد بین‌شخصی ۴۱/۹ درصد پاسخ‌گویان زیاد و خیلی زیاد است و ۱۶/۳ درصد پاسخ‌گویان به‌غریبه‌ها (اعتماد تعمیم‌یافته)، اعتماد زیاد یا خیلی زیادی دارند. اعتماد اجتماعی ۲۳/۹ درصد افراد زیاد و خیلی زیاد می‌باشد. همچنین سطح اعتماد اجتماعی ۳۱/۱ درصد افراد در حد متوسط و ۴۵/۰ درصد افراد کم و بسیار کم می‌باشد. میانگین اعتماد بین‌شخصی ۳/۲۵ از ۵ و میانگین اعتماد به کنشگران سیاسی ۲/۲۸ از ۵ است که به ترتیب در بالاترین و پائین‌ترین سطح واقع می‌شود. میانگین اعتماد اجتماعی پاسخ‌گویان ۲/۶۷ از ۵ می‌باشد.

جدول ۳- درصد توزیع فراوانی مربوط به انواع اعتماد اجتماعی

نوع اعتماد	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	کل	میانگین
بین شخصی	۸/۲	۱۲/۸	۳۶/۱	۲۰/۴	۲۱/۵	۱۰۰	۳/۲۵
اعتماد به نظام سیاسی	۲۸/۹	۱۶/۵	۲۳/۵	۱۴/۷	۱۶/۴	۱۰۰	۲/۷۳
اعتماد نهادی	آموزشی	۱۲/۱	۱۲/۴	۴۴/۶	۲۴/۰	۶/۹	۳/۰۱
	خدماتی	۱۷/۷	۱۷/۵	۳۹/۷	۱۶/۹	۸/۴	۲/۸۱
	اقتصادی	۲۳/۶	۲۰/۵	۳۶/۸	۱۳/۶	۵/۷	۲/۵۷
	مذهبی	۳۵/۱	۲۱/۱	۲۴/۴	۱۳/۱	۶/۲	۲/۳۴
	سیاسی	۲۸/۰	۱۸/۲	۲۹/۲	۱۴/۲	۱۰/۴	۲/۶۱
	کل	۲۵/۷	۱۸/۷	۳۲/۵	۱۵/۰	۸/۰	۲/۶۷
اعتماد به کنشگران سیاسی	۳۴/۶	۲۱/۸	۲۹/۵	۹/۵	۴/۶	۱۰۰	۲/۲۸
تعمیم یافته	۲۵/۴	۲۶/۴	۳۱/۸	۱۱/۱	۵/۲	۱۰۰	۲/۴۴
کل	۲۵/۶	۱۹/۴	۳۱/۱	۱۴/۳	۹/۶	۱۰۰	۲/۶۷

نتایج جدول (۴) نشان داد که درصد افرادی که همیشه مشارکت سیاسی مثبت دارند (۱۵/۷) بیشتر از درصد افراد است که همیشه مشارکت سیاسی منفی (۶/۴) دارند. همچنین درصد افرادی که همیشه مشارکت سیاسی انتخاباتی دارند (۳۰/۸) بیش از ۳ برابر درصد افرادی است که همیشه مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی (۸/۹) دارند. بررسی میانگین‌ها نیز نشانگر آن است که میانگین مشارکت سیاسی انتخاباتی (۱/۹۲ از ۳) بیشتر از میانگین مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی (۱/۵۱ از ۳) است. بنابراین می‌توان گفت که رأی‌دادن که پائین‌ترین سطح مشارکت واقعی است، نسبت به دیگر ابعاد مشارکت اهمیت بیشتری دارد. علاوه بر این، میانگین مشارکت سیاسی مثبت (۱/۷۱ از ۳) بیشتر از میانگین مشارکت سیاسی منفی (۱/۳۲) است. البته میانگین هر دو مشارکت از حد متوسط پائین‌تر است.

جدول ۴- درصد توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب میزان مشارکت سیاسی

نوع مشارکت سیاسی	هرگز (اصلاً)	گاهی (احتمالاً)	همیشه (حتماً)	پاسخ نداده	کل	میانگین	
انتخاباتی	۳۸/۵	۳۰/۷	۳۰/۸	۰	۱۰۰	۱/۹۲	
مشارکت سیاسی مثبت	غیرانتخاباتی	۶۶/۸	۲۴/۳	۸/۹	۰	۱۰۰	۱/۵۱
	کل	۵۸/۱	۲۶/۲	۱۵/۷	۰	۱۰۰	۱/۷۱
منفی	۷۴/۸	۱۸/۸	۶/۴	۰	۱۰۰	۱/۳۲	

مقایسه میانگین نمرات به دست آمده زنان و مردان نشانگر آن است (جدول ۵) که از بین انواع ابعاد اعتماد، تفاوت میانگین نمرات کسب شده زنان و مردان در اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد به کنشگران سیاسی معنادار می‌باشد. هرچند اعتماد نهادی کل بین مردان و زنان معنادار نیست ولی ابعاد فرعی این اعتماد شامل اعتماد نهادهای سیاسی، آموزشی و مذهبی در بین مردان و زنان معنادار است. میانگین اعتماد تعمیم‌یافته مردان (۲۲/۴۹) بیشتر از زنان (۲۱/۲۸) است. میانگین اعتماد زنان به کنشگران سیاسی (۱۴/۵۳) بیشتر از مردان

(۱۲/۸۱) می‌باشد ولی میانگین اعتماد مردان به نهادهای سیاسی (۳۵/۰۳) بیشتر از زنان (۲۷/۰۲) است. میانگین اعتماد زنان به نهادهای آموزشی (۶/۲۷) بیشتر از مردان (۵/۷۷) می‌باشد. میانگین اعتماد مردان به نهادهای مذهبی (۱۳/۲۴) کمتر از زنان (۱۴/۸۲) است.

جدول ۵- خروجی آزمون T جهت مقایسه میانگین انواع اعتماد اجتماعی مردان و زنان

متغیر	جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	t مقدار	سطح معناداری
اعتماد بین شخصی	زن	۱۸۵	۱۶/۳۶	۳/۱۰	-۱/۵۵۵	۰/۱۲۱
	مرد	۱۹۳	۱۶/۸۸	۳/۳۷		
اعتماد تعمیم یافته	زن	۲۰۱	۲۱/۲۸	۵/۲۲	-۲/۲۲۷	۰/۰۲۷
	مرد	۱۹۹	۲۲/۴۹	۵/۶۶		
اعتماد به کنشگران سیاسی	زن	۲۰۰	۱۴/۵۳	۵/۸۲	۲/۹۰۱	۰/۰۰۴
	مرد	۱۹۹	۱۲/۸۱	۶/۰۲		
اعتماد به نظام سیاسی	زن	۲۰۱	۲۲/۵۸	۸/۸۳	۱/۶۶۳	۰/۰۹۷
	مرد	۱۹۸	۲۱/۰۹	۹/۱۳		
اعتماد به نهادهای سیاسی	زن	۲۰۱	۲۷/۰۲	۹/۵۶	۲/۱۷۸	۰/۰۳۰
	مرد	۱۹۷	۳۵/۰۳	۸/۶۷		
اعتماد به نهادهای آموزشی	زن	۲۰۱	۶/۲۷	۱/۸۹	۲/۷۱۰	۰/۰۰۷
	مرد	۱۹۹	۵/۷۷	۱/۸۳		
اعتماد به نهادهای خدماتی	زن	۲۰۱	۱۴/۰۶	۴/۵۳	۰/۰۹۲	۰/۹۲۷
	مرد	۱۹۹	۱۴/۰۲	۴/۰۴		
اعتماد به نهادهای مذهبی	زن	۱۹۹	۱۴/۸۲	۶/۵۳	۲/۶۱۱	۰/۰۰۹
	مرد	۱۹۸	۱۳/۲۴	۵/۵۳		
اعتماد به نهادهای اقتصادی	زن	۲۰۱	۱۳/۰۳	۳/۹۸	۰/۱۸۶۱	۰/۳۹۰
	مرد	۱۹۹	۱۲/۷۱	۳/۴۵		
کل	زن	۱۹۹	۷۴/۹۶	۲۳/۶۶	۱/۹۳۹	۰/۰۵۳
	مرد	۱۹۶	۷۰/۷۲	۱۹/۶۹		
اعتماد اجتماعی کل	زن	۱۸۲	۱۴۸/۵۰	۳۸/۰۸	۱/۱۱۷	۰/۲۶۵
	مرد	۱۸۹	۱۴۴/۲۰	۳۶/۰۷		

نتایج نشان داد که (جدول ۶) اگرچه تفاوت میانگین مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی زنان و مردان معنادار است و مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی مردان (۱۳/۳۳) بیشتر از زنان (۱۲/۲۹) است، اما تفاوت دو گروه در میانگین مشارکت سیاسی انتخاباتی معنادار نیست. میانگین مشارکت سیاسی مثبت مردان و زنان جوان یزدی نیز معنادار نیست. ولی تفاوت دو گروه فوق در مورد مشارکت سیاسی منفی به صورت کامل معنادار است و مشارکت سیاسی منفی مردان جوان یزدی (۱۳/۸۷) بیشتر از زنان جوان یزدی (۱۲/۴۶) است.

جدول ۶- خروجی آزمون T جهت مقایسه میانگین انواع مشارکت سیاسی مردان و زنان

متغیر	جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
مشارکت سیاسی انتخاباتی	زن	۲۰۱	۸/۶۳	۲/۷۸	۰/۰۶۵	۰/۹۴۸
	مرد	۱۹۹	۸/۶۱	۲/۹۸		
مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی	زن	۱۹۹	۱۲/۲۹	۳/۳۳	-۲/۹۵۲	۰/۰۰۳
	مرد	۱۹۹	۱۳/۳۳	۳/۶۹		
کل	زن	۱۹۹	۲۰/۹۶	۴/۸۰	-۱/۸۸۸	۰/۰۶۰
	مرد	۱۹۹	۲۱/۹۳	۵/۴۷		
مشارکت سیاسی منفی	زن	۲۰۰	۱۲/۴۶	۳/۰۲	-۴/۳۰۲	۰/۰۰۱
	مرد	۱۹۸	۱۳/۸۷	۳/۵۳		

بین انواع اعتماد (جدول ۷)، تفاوت میانگین نمرات کسب شده افراد مجرد و افراد متأهل در اعتماد تعمیم یافته، اعتماد به نظام سیاسی، اعتماد نهادی کل و ابعاد فرعی این اعتماد، شامل اعتماد به نهادهای سیاسی، اعتماد به نهادهای آموزشی و اعتماد به نهادهای مذهبی معنادار است. میانگین اعتماد تعمیم یافته افراد متأهل (۲۱/۱۳) کمتر از افراد مجرد (۲۲/۵۸) است. میانگین اعتماد افراد مجرد به نظام سیاسی (۲۰/۵۰) کمتر از افراد متأهل (۲۳/۲۹) می باشد ولی میانگین اعتماد افراد متأهل به نهادهای سیاسی (۲۷/۲۲) بیشتر از افراد مجرد (۲۴/۹۴) است. میانگین اعتماد افراد مجرد به نهادهای آموزشی (۵/۸۳) کمتر از افراد متأهل (۶/۲۳) می باشد. میانگین اعتماد افراد متأهل به نهادهای مذهبی (۱۵/۲۵) بیشتر از افراد مجرد (۱۲/۹۲) است. به صورت کلی می توان گفت که میانگین اعتماد نهادی افراد متأهل (۷۵/۵۱) بیشتر از افراد مجرد (۷۰/۴۳) است. اما بین میانگین اعتماد اجتماعی افراد مجرد و افراد متأهل، تفاوت معناداری ندارد. بنابراین در ارتباط با این فرضیه پژوهش که بین افراد مجرد و افراد متأهل از نظر انواع اعتماد اجتماعی تفاوت وجود دارد، باید گفت که در مورد متغیرهای اعتماد تعمیم یافته، اعتماد به نظام سیاسی، اعتماد به نهادهای سیاسی، اعتماد به نهادهای آموزشی و اعتماد به نهادهای مذهبی فرضیه پژوهش تأیید می شود اما در مورد اعتماد بین شخصی؛ اعتماد به کنشگران سیاسی و اعتماد اجتماعی، فرضیه تحقیق رد می شود. (جدول ۷).

نتایج (جدول ۸) نشان می دهد که اگر چه تفاوت میانگین مشارکت سیاسی انتخاباتی افراد مجرد و متأهل معنادار می باشد، اما تفاوت دو گروه در میانگین مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی معنادار نمی باشد. میانگین مشارکت سیاسی انتخاباتی افراد متأهل (۹/۱۵) بیشتر از افراد مجرد (۸/۱۳) می باشد و با توجه به سطوح معناداری مشاهده شده می توان گفت که این تفاوت معنادار است. همچنین؛ تفاوت دو گروه در مورد مشارکت سیاسی منفی معنادار است و میانگین مشارکت سیاسی منفی افراد متأهل (۱۲/۷۴) کمتر از میانگین مشارکت مثبت افراد مجرد (۱۳/۵۵) می باشد.

جدول ۷- خروجی آزمون T جهت مقایسه میانگین انواع اعتماد اجتماعی افراد متأهل و مجرد

متغیر	وضعیت تأهل	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
اعتماد بین شخصی	مجرد	۱۹۸	۱۶/۶۵	۳/۴۷	۳/۱۵۵	۰/۸۷۷
	متأهل	۱۸۰	۱۶/۶۰	۲/۹۸		
اعتماد تعمیم یافته	مجرد	۲۰۸	۲۲/۵۸	۵/۴۵	۲/۶۷۸	۰/۰۰۸
	متأهل	۱۹۲	۲۱/۱۳	۵/۴۱		
اعتماد به کنشگران سیاسی	مجرد	۲۰۷	۱۳/۲۵	۶/۰۸	-۱/۴۶۰	۰/۱۴۵
	متأهل	۱۹۲	۱۴/۱۳	۵/۸۴		
اعتماد به نظام سیاسی	مجرد	۲۰۷	۲۰/۵۰	۸/۹۰	-۳/۱۲۵	۰/۰۰۲
	متأهل	۱۹۲	۲۳/۲۹	۸/۹۱		
اعتماد به نهادهای سیاسی	مجرد	۲۰۶	۲۴/۹۴	۸/۸۳	-۲/۴۹۵	۰/۰۱۳
	متأهل	۱۹۲	۲۷/۲۲	۹/۴۰		
اعتماد به نهادهای آموزشی	مجرد	۲۰۸	۵/۸۳	۱/۹۰	-۲/۱۷۸	۰/۰۳۰
	متأهل	۱۹۲	۶/۲۳	۱/۸۲		
اعتماد به نهادهای خدماتی	مجرد	۲۰۸	۱۴/۰۳	۴/۱۸	-۰/۰۳۱	۰/۹۷۵
	متأهل	۱۹۲	۱۴/۰۵	۴/۴۱		
اعتماد به نهادهای مذهبی	مجرد	۲۰۸	۱۲/۹۲	۵/۵۳	-۳/۸۳۹	۰/۰۰۱
	متأهل	۱۸۹	۱۵/۲۵	۶/۴۷		
اعتماد به نهادهای اقتصادی	مجرد	۲۰۸	۱۲/۸۴	۳/۶۶	-۰/۱۸۷	۰/۸۵۲
	متأهل	۱۹۲	۱۲/۹۱	۳/۸۰		
کل	مجرد	۲۰۶	۷۰/۴۳	۲۰/۷۹	-۲/۳۲۰	۰/۰۲۱
	متأهل	۱۸۹	۷۵/۵۱	۲۲/۷۲		
اعتماد اجتماعی کل	مجرد	۱۹۴	۱۴۳/۵۹	۳۷/۰۸	-۱/۴۸۳	۰/۱۳۹
	متأهل	۱۷۷	۱۴۹/۲۹	۳۶/۹۶		

جدول (۹) ضرایب همبستگی انواع اعتماد با سه متغیر سن، تحصیلات، میزان درآمد است. یافته‌های موجود در این جدول در سه قسمت قابل ارائه است:

در قسمت اول که مربوط به رابطه سن با انواع اعتماد می‌باشد، می‌توان گفت: متغیر سن با تمامی انواع اعتماد رابطه معناداری ندارد به جز اعتماد تعمیم یافته که سطح معناداری آن ۰/۰۰۱ می‌باشد. بنابراین در ارتباط با این فرضیه تحقیق که سن با انواع اعتماد اجتماعی رابطه دارد می‌توان گفت که به جز اعتماد تعمیم یافته، در بقیه موارد فرضیه پژوهش تایید نمی‌شود. در میان ابعاد مختلف اعتماد اجتماعی، معنادارترین رابطه بین اعتماد تعمیم یافته با سن برقرار بود (با ضریب همبستگی: -۰/۲۳۵).

در قسمت دوم که به رابطه انواع اعتماد اجتماعی با متغیر تحصیلات در ارتباط است، می‌توان بیان نمود که: از میان انواع اعتماد اجتماعی، فقط رابطه اعتماد به نهادهای آموزشی با تحصیلات معنادار است. نوع رابطه نیز مثبت است. بنابراین با افزایش میزان

تحصیلات، این نوع اعتماد در افراد افزایش می‌یابد. در نتیجه در مورد این فرضیه تحقیق که تحصیلات با انواع اعتماد اجتماعی رابطه دارد می‌توان قضاوت نمود که فرضیه پژوهش در مورد اعتماد به نهادهای آموزشی تأیید می‌شود اما دیگر ابعاد اعتماد رد می‌شود.

جدول ۸- خروجی آزمون T جهت مقایسه میانگین انواع مشارکت سیاسی افراد متأهل و مجرد

سطح معناداری	مقدار t	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	وضعیت تأهل	متغیر
۰/۰۰۱	-۳/۶۰۳	۳/۰۴	۸/۱۳	۲۰۸	مجرد	مشارکت سیاسی انتخاباتی
		۲/۵۹	۹/۱۵	۱۹۲	متأهل	
۰/۱۴۵	۱/۴۵۱	۳/۷۵	۱۳/۰۵	۲۰۸	مجرد	مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی
		۳/۲۹	۱۲/۵۴	۱۹۰	متأهل	
۰/۲۸۳	-۱/۰۷۶	۵/۴۷	۲۱/۱۸	۲۰۸	مجرد	کل
		۴/۷۹	۲۱/۷۴	۱۹۰	متأهل	
۰/۰۱۶	۲/۴۱۴	۳/۶۳	۱۳/۵۵	۲۰۷	مجرد	مشارکت سیاسی منفی
		۲/۹۸	۱۲/۷۴	۱۹۱	متأهل	

در قسمت سوم که به رابطه درآمد با انواع اعتماد اجتماعی مربوط می‌شود، که باید گفت: رابطه درآمد با انواع اعتماد اجتماعی منفی و معنادار است به جز رابطه اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد به نهادهای آموزشی و اعتماد به نهادهای اقتصادی با درآمد که معنادار نیست. لذا در مورد این فرضیه تحقیق که درآمد با انواع اعتماد رابطه دارد باید گفت که اگر چه در مورد اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد به نهادهای آموزشی و اعتماد به نهادهای اقتصادی فرضیه تحقیق رد می‌شود اما بقیه موارد فرضیه تأیید می‌شود. از میان هفت نوع اعتمادی که رابطه معناداری با درآمد دارند، قوی‌ترین و ضعیف‌ترین رابطه بین اعتماد به نهادهای مذهبی و اعتماد به نهادهای خدماتی با تحصیلات برقرار است.

جدول شماره ۱۰ ضرایب همبستگی انواع اعتماد با انواع مشارکت سیاسی آمده است. با توجه به داده‌های موجود در جدول می‌توان گفت که:

(۱) اعتماد بین شخصی با مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی و مشارکت سیاسی مثبت رابطه مثبت و معناداری دارد. اما رابطه آن با متغیرهای مشارکت سیاسی انتخاباتی و مشارکت سیاسی منفی معنادار نمی‌باشد. ضریب همبستگی اعتماد بین شخصی با مشارکت سیاسی مثبت ۰/۱۴۰ می‌باشد.

(۲) اعتماد تعمیم‌یافته با مشارکت سیاسی منفی، غیرانتخاباتی و مشارکت سیاسی مثبت رابطه مستقیم و معناداری دارد اما رابطه آن با مشارکت سیاسی انتخاباتی معنادار نمی‌باشد.

جدول ۹- ضرایب همبستگی متغیرهای زمینه‌ای و انواع اعتماد

درآمد			تحصیلات			سن			متغیر
تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری	
۳۳۴	-۰/۰۸۶	۰/۱۱۷	۳۷۸	-۰/۰۱۶	۰/۷۵۷	۳۷۸	-۰/۰۷۰	۰/۱۷۵	اعتماد بین شخصی
۳۵۳	-۰/۰۹۷	۰/۰۶۹	۴۰۰	-۰/۰۹۲	۰/۰۶۷	۴۰۰	-۰/۲۳۵	۰/۰۰۱	اعتماد تعمیم‌یافته
۳۵۲	-۰/۱۲۵	۰/۰۱۹	۳۹۹	-۰/۰۴۱	۰/۴۲۰	۳۹۹	-۰/۰۲۵	۰/۶۱۸	اعتماد به کنشگران سیاسی
۳۵۲	-۰/۱۶۶	۰/۰۰۲	۳۹۹	-۰/۰۲۰	۰/۶۹۷	۳۹۹	-۰/۰۰۲	۰/۹۷۴	اعتماد به نظام سیاسی
۳۵۱	-۰/۱۷۴	۰/۰۰۱	۳۹۸	-۰/۰۲۵	۰/۶۱۵	۳۹۸	-۰/۰۵۴	۰/۲۷۸	نهادهای سیاسی
۳۵۳	-۰/۰۱۳	۰/۸۱۳	۴۰۰	-۰/۱۲۸	۰/۰۱۰	۴۰۰	-۰/۰۳۶	۰/۴۷۵	نهادهای آموزشی
۳۵۳	-۰/۱۱۹	۰/۰۲۵	۴۰۰	-۰/۰۲۱	۰/۶۶۹	۴۰۰	-۰/۰۵۹	۰/۲۳۹	نهادهای خدماتی
۳۵۲	-۰/۱۸۹	۰/۰۰۱	۳۹۷	-۰/۰۳۵	۰/۴۸۵	۳۹۷	-۰/۰۵۰	۰/۳۱۶	نهادهای مذهبی
۳۵۳	-۰/۰۶۱	۰/۲۵۵	۴۰۰	-۰/۰۱۰	۰/۸۳۵	۴۰۰	-۰/۰۶۱	۰/۲۲۵	نهادهای اقتصادی
۳۵۰	-۰/۱۵۹	۰/۰۰۳	۳۹۵	-۰/۰۱۳	۰/۷۹۲	۳۹۵	-۰/۰۵۶	۰/۲۶۳	کل
۳۲۹	-۰/۱۷۴	۰/۰۰۲	۳۷۱	-۰/۰۰۴	۰/۹۴۶	۳۷۱	-۰/۰۸۱	۰/۱۲۱	اعتماد اجتماعی کل

۳) متغیر اعتماد به کنشگران سیاسی با مشارکت سیاسی انتخاباتی، غیرانتخاباتی و مشارکت سیاسی مثبت رابطه مثبت و معناداری دارد. رابطه متغیر گفته شده با مشارکت سیاسی منفی، معنادار نیست. رابطه بین متغیر اعتماد به کنشگران سیاسی با مشارکت سیاسی انتخاباتی (۰/۲۸۱) معنادارتر از رابطه آن با مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی (۰/۲۴۹) می‌باشد.

۴) رابطه متغیر اعتماد به نظام سیاسی با انواع مشارکت سیاسی معنادار است. نوع رابطه این متغیر با مشارکت سیاسی انتخاباتی، غیرانتخاباتی و مشارکت سیاسی مثبت، مثبت است، اما رابطه آن با مشارکت سیاسی منفی، معکوس می‌باشد. همچنین رابطه اعتماد به نظام سیاسی با مشارکت سیاسی انتخاباتی (۰/۳۹۶) قوی‌تر از رابطه آن با مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی (۰/۲۸۲) است. رابطه اعتماد به نظام سیاسی با مشارکت سیاسی مثبت (۰/۴۲۳) نیز قوی‌تر از رابطه آن با مشارکت سیاسی منفی (۰/۱۴۲) می‌باشد.

۵) متغیر اعتماد نهادی با مشارکت سیاسی انتخاباتی، غیرانتخاباتی و مشارکت سیاسی مثبت رابطه مثبت و معناداری دارد. رابطه متغیر گفته شده با مشارکت سیاسی منفی، معنادار نیست. رابطه بین متغیر اعتماد نهادی با مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی (۰/۲۹۴) قوی‌تر از رابطه آن با مشارکت سیاسی انتخاباتی (۰/۲۷۷) می‌باشد.

۶) متغیر اعتماد اجتماعی با مشارکت سیاسی انتخاباتی، غیرانتخاباتی و مشارکت سیاسی مثبت رابطه مثبت و معناداری دارد. رابطه متغیر گفته شده با مشارکت سیاسی منفی، معنادار نیست. رابطه بین متغیر اعتماد اجتماعی با مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی (۰/۳۲۷) قوی تر از رابطه آن با مشارکت سیاسی انتخاباتی (۰/۲۹۵) می باشد.

جدول ۱۰- ضرایب همبستگی انواع اعتماد با انواع مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی منفی	مشارکت سیاسی مثبت			متغیر
	کل	غیرانتخاباتی	انتخاباتی	
۰/۰۷۸	۰/۱۴۰	۰/۱۵۷	۰/۰۵۲	ضریب همبستگی
۰/۱۳۱	۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	۰/۳۱۷	سطح معناداری
۳۷۶	۳۷۶	۳۷۶	۳۷۸	تعداد
۰/۱۸۱	۰/۲۴۴	۰/۳۰۳	۰/۰۵۲	ضریب همبستگی
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۲۹۶	سطح معناداری
۳۹۸	۳۹۸	۳۹۸	۴۰۰	تعداد
-۰/۰۸۱	۰/۳۳۹	۰/۲۴۹	۰/۲۸۱	ضریب همبستگی
۰/۱۰۹	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	سطح معناداری
۳۹۷	۳۹۷	۳۹۷	۳۹۹	تعداد
-۰/۱۴۲	۰/۴۲۳	۰/۲۸۲	۰/۳۹۶	ضریب همبستگی
۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	سطح معناداری
۳۹۷	۳۹۷	۳۹۷	۳۹۹	تعداد
-۰/۰۷۷	۰/۳۶۹	۰/۲۹۴	۰/۲۷۷	ضریب همبستگی
۰/۱۲۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	سطح معناداری
۳۹۳	۳۹۳	۳۹۳	۳۹۵	تعداد
-۰/۰۴۴	۰/۴۰۶	۰/۳۲۷	۰/۲۹۵	ضریب همبستگی
۰/۳۹۷	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	سطح معناداری
۳۶۹	۳۶۹	۳۶۹	۳۷۱	تعداد

در جدول (۱۱) ضرایب همبستگی متغیرهای زمینه‌ای با انواع مشارکت سیاسی آمده است، داده‌های موجود در جدول نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی انتخاباتی با سه متغیر سن، تحصیلات، درآمد رابطه معناداری دارد. نوع رابطه مشارکت سیاسی انتخاباتی با سن و تحصیلات مثبت، ولی نوع رابطه آن با درآمد منفی است. قوی‌ترین و ضعیف‌ترین رابطه بین سن و درآمد با مشارکت سیاسی انتخاباتی برقرار است که میزان آن به ترتیب ۰/۲۴۹ و ۰/۱۳۱- می باشد. همچنین نتایج نشان داد که رابطه بین هیچ یک از متغیرهای زمینه‌ای مطرح شده با مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی معنادار نیست. مشارکت سیاسی مثبت با سه متغیر سن، تحصیلات، درآمد رابطه معناداری دارد. نوع رابطه مشارکت سیاسی مثبت با سن و تحصیلات مثبت، ولی نوع رابطه آن با درآمد منفی می باشد. قوی‌ترین و ضعیف‌ترین

رابطه بین تحصیلات و درآمد با مشارکت سیاسی مثبت برقرار است که میزان آن به ترتیب ۰/۱۵۴ و ۰/۱۰۵- می‌باشد. همچنین رابطه بین هیچکدام از متغیرهای زمینه‌ای مطرح شده با مشارکت سیاسی منفی، معنادار نیست.

جدول ۱۱. ضرایب همبستگی متغیرهای زمینه‌ای و انواع مشارکت سیاسی

			متغیر			
درآمد	تحصیلات	سن				
-۰/۱۳۱	۰/۲۲۹	۰/۲۴۹	ضریب همبستگی	مشارکت سیاسی انتخاباتی	مشارکت سیاسی مثبت	
۰/۰۱۴	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	سطح معناداری			
۳۵۳	۴۰۰	۴۰۰	تعداد			
-۰/۰۴۴	۰/۰۴۳	-۰/۰۵۱	ضریب همبستگی	مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی		
۰/۴۱۵	۰/۳۹۷	۰/۳۱۰	سطح معناداری			
۳۵۱	۳۹۸	۳۹۸	تعداد			
-۰/۱۰۵	۰/۱۵۴	۰/۰۹۹	ضریب همبستگی	کل		مشارکت سیاسی منفی
۰/۰۴۹	۰/۰۰۲	۰/۰۵۰	سطح معناداری			
۳۵۱	۳۹۸	۳۹۸	تعداد			
۰/۰۶۰	۰/۰۰۴	-۰/۰۹۶	ضریب همبستگی			
۲۶۳	۰/۹۳۹	۰/۰۵۶	سطح معناداری			
۳۵۱	۳۹۸	۳۹۸	تعداد			

جهت بررسی بهتر تأثیر متغیرهای زمینه‌ای (سن، تحصیلات، درآمد) و انواع اعتماد اجتماعی بر انواع مشارکت سیاسی از رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. البته باید گفت که در مورد متغیرهای وابسته مشارکت سیاسی انتخاباتی و غیرانتخاباتی از روش پس‌رونده و در مورد متغیرهای وابسته مشارکت سیاسی مثبت و منفی از روش گام به گام استفاده شده است.

نتایج رگرسیون خطی چندمتغیره متغیرهای مستقل با متغیر وابسته مشارکت سیاسی انتخاباتی نشان داد (جدول ۱۲، الف) که از میان ۸ متغیر وارد شده در مدل اولیه، ۴ متغیر سن، تحصیلات، درآمد و اعتماد به نظام سیاسی در مدل نهایی باقی ماندند. مقایسه ضرایب استاندارد شد (Beta) نشان می‌دهد که اعتماد به نظام سیاسی ($Beta = ۰/۳۷۴$) بیشترین میزان تأثیر را بر متغیر وابسته اعمال می‌کند. بعد از آن سن، تحصیلات و درآمد با ضرایب استاندارد شده ۰/۲۰۲، ۰/۱۵۳ و ۰/۱۱۸- در مراتب بعدی قرار دارند. ضریب همبستگی مدل انتخاب شده با متغیر وابسته ۰/۴۹۸ می‌باشد و می‌تواند ۲۴/۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته مشارکت سیاسی انتخاباتی را توضیح دهد.

جدول ۱۲- رگرسیون خطی چندمتغیره متغیرهای مستقل با متغیر مشارکت سیاسی انتخاباتی (الف)، متغیر مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی (ب)، متغیر مشارکت سیاسی منفی (ج)، متغیر مشارکت سیاسی مثبت (د)

متغیر	متغیرهای مستقل	ضریب استاندارد شده		مقدار t	سطح معناداری	
		ضریب رگرسیونی (B)	خطای معیار (St. Error)			
متغیر مشارکت سیاسی انتخاباتی (الف)	مقدار ثابت		۰/۸۰۶	۳/۴۶۶	۰/۰۰۱	
	سن	۰/۱۱۱	۰/۰۲۷	۴/۰۷۲	۰/۰۰۱	
	تحصیلات	۰/۴۰۱	۰/۱۳۱	۳/۰۶۵	۰/۰۰۲	
	درآمد	-۰/۰۶۲	۰/۰۲۶	-۲/۳۹۴	۰/۰۱۷	
	اعتماد به نظام سیاسی	۰/۱۱۷	۰/۰۱۵	۷/۶۳۴	۰/۰۰۱	
ضریب همبستگی (R) = ۰/۴۹۸						
ضریب تبیین (R^2) = ۰/۲۴۸						
متغیر مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی (ب)	مقدار ثابت		۰/۹۱۴	۶/۸۷۳	۰/۰۰۱	
	اعتماد تعمیم یافته	۰/۱۸۱	۰/۰۳۷	۴/۹۳۸	۰/۰۰۱	
	اعتماد نهادی	۰/۰۳۷	۰/۰۰۰۹	۴/۰۴۴	۰/۰۰۱	
	ضریب همبستگی (R) = ۰/۳۷۷					
	ضریب تبیین (R^2) = ۰/۱۴۲					
متغیر مشارکت سیاسی منفی (ج)	مقدار ثابت		۰/۷۷۳	۱۴/۷۷۷	۰/۰۰۱	
	اعتماد تعمیم یافته	۰/۱۵۲	۰/۰۳۵	۴/۳۶۰	۰/۰۰۱	
	اعتماد به نظام سیاسی	-۰/۰۷۷	۰/۰۲۱	-۳/۶۶۶	۰/۰۰۱	
	ضریب همبستگی (R) = ۰/۲۶۸					
	ضریب تبیین (R^2) = ۰/۰۷۲					
متغیر مشارکت سیاسی مثبت (د)	مقدار ثابت		۱/۳۰۲	۹/۲۶۳	۰/۰۰۱	
	اعتماد به نظام سیاسی	۰/۲۱۷	۰/۰۳۰	۷/۲۴۶	۰/۰۰۱	
	اعتماد تعمیم یافته	۰/۱۵۳	۰/۰۵۰	۳/۰۷۱	۰/۰۰۲	
	تحصیلات	۰/۵۹۵	۰/۲۳۹	۲/۴۹۲	۰/۰۱۳	
	ضریب همبستگی (R) = ۰/۴۶۷					
ضریب تبیین (R^2) = ۰/۲۱۸						

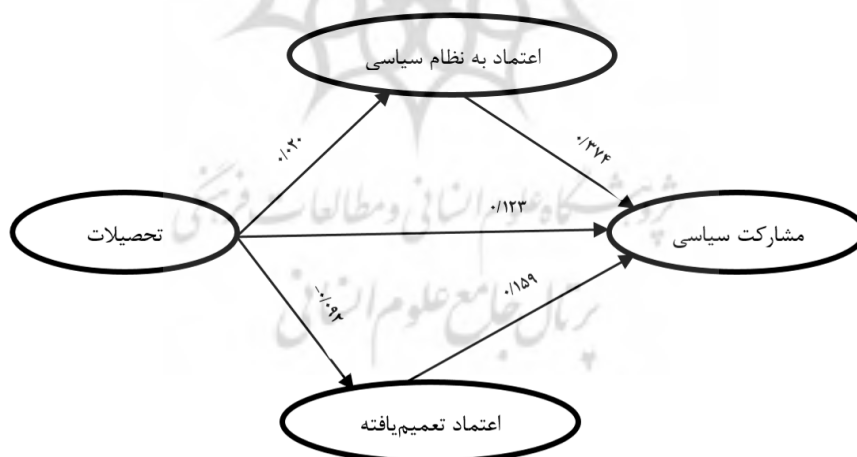
رگرسیون خطی چندمتغیره متغیرهای مستقل با متغیر وابسته مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی نشان داد (جدول ۱۲، ب) که از میان ۸ متغیر وارد شده در مدل اولیه، ۲ متغیر اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی در مدل نهایی باقی ماندند. مقایسه ضرایب استاندارد شده نشان می دهد که اعتماد تعمیم یافته ($Beta=۰/۲۶۲$) بیشترین میزان تأثیر را بر متغیر وابسته داشته است. سپس متغیر اعتماد نهادی با ضریب

استاندارد شده $0/215$ در مرتبه بعدی قرار دارد. ضریب همبستگی مدل منتخب با متغیر وابسته $0/377$ می‌باشد و می‌تواند $14/2$ درصد از تغییرات متغیر وابسته مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی را توضیح دهد.

رگرسیون خطی چندمتغیره متغیرهای مستقل با متغیر مشارکت سیاسی منفی نشان داد (جدول ۱۲، ج) که مدل ارائه پایانی شامل دو متغیر اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد به نظام سیاسی می‌باشد. ضریب استاندارد شده متغیرهای مذکور به ترتیب $0/245$ و $-0/206$ می‌باشد. در مجموع مدل ارائه شده $7/2$ درصد تغییرات متغیر وابسته مشارکت سیاسی منفی را توضیح می‌دهد.

رگرسیون خطی چندمتغیره متغیرهای مستقل با متغیر مشارکت سیاسی مثبت نشان داد (جدول ۱۲، د) که مدل ارائه نهایی شده شامل سه متغیر اعتماد به نظام سیاسی، اعتماد تعمیم‌یافته و تحصیلات است. مقایسه بتاها نشان می‌دهد که بیشترین و کمترین میزان تأثیرگذاری بر متغیر وابسته مشارکت سیاسی مثبت از سوی اعتماد به نظام سیاسی و تحصیلات اعمال می‌شود. ضریب استاندارد شده متغیرهای گفته شده به ترتیب $0/374$ و $0/123$ می‌باشد. در مجموع مدل ارائه شده $21/8$ درصد تغییرات متغیر وابسته مشارکت سیاسی مثبت را توضیح می‌دهد.

در این تحقیق برای سنجش میزان تأثیرات غیرمستقیم و همچنین مستقیم و ارزیابی مجدد میزان تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مشارکت سیاسی مثبت از تحلیل مسیر استفاده شد (شکل ۲). ضرایب بتای محاسبه شده در رگرسیون خطی بر روی نمودار زیر آمده است. اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر مشارکت سیاسی مثبت گزارش شده است (شکل ۲). متغیرهای موجود در شکل براساس میزان اثرگذاری (از بیشترین تا کمترین) بر متغیر وابسته آمده است. بیشترین میزان تأثیرگذاری به متغیر اعتماد به نظام سیاسی تعلق دارد که ضریب آن $0/374$ می‌باشد. کمترین میزان اثرگذاری به متغیر تحصیلات مربوط می‌شود که ضریب آن $0/124$ می‌باشد.



شکل ۲- نمودار مسیر مربوط به عوامل زمینه‌ای و انواع اعتماد مؤثر بر مشارکت سیاسی مثبت

بحث و نتیجه گیری

با توجه به این که موضوع اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی نقش تعیین کننده و مهمی در جامعه دارد باید به شکل گیری بسترهای مناسب جهت تغییر نگرش جمعی فراهم شود تا مشارکت سیاسی اقشار مختلف جامعه به ویژه قشر جوان افزایش یابد. هدف کلی این پژوهش، بررسی نقش اعتماد اجتماعی روی مشارکت سیاسی جوانان شهر یزد است. در این راستا از مؤلفه های مختلف اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی در قالب پرسش نامه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که میانگین کل گویه های اعتماد بین شخصی ۳/۲۵ از بین ۵، میانگین گویه های اعتماد تعمیم یافته ۲/۴۴ از ۵، میانگین گویه های اعتماد به کنشگران سیاسی ۲/۲۸ از ۵، میانگین گویه های اعتماد به نظام سیاسی ۲/۷۳ از ۵، میانگین گویه های اعتماد به نهادهای سیاسی نیز ۲/۶۱ از ۵، میانگین گویه های اعتماد به نهادهای آموزشی ۳/۰۱ از ۵، میانگین گویه های اعتماد به نهادهای ۲/۸۱ از ۵، میانگین گویه های اعتماد به نهادهای مذهبی ۲/۳۴ از ۵، میانگین گویه های اعتماد به نهادهای اقتصادی نیز ۲/۵۷ از ۵ بود. نتایج این تحقیق نشان می دهد که از بین تمام مؤلفه های اعتماد در بین جوانان یزدی فقط اعتماد بین شخص که از گویه های (شامل گویه های اعتماد به اعضای خانواده، اعتماد به خویشاوندان، اعتماد به دوستان، اعتماد به همسایگان، اعتماد به همکاران) متوسط به بالا بود.

در این راستا نیز خوش فر (۱۳۸۷) در پژوهشی در استان گلستان گزارش داد که میانگین گویه های اعتماد بین شخصی ۱/۸۵ از ۳ می باشد. در بررسی دیگری روی مردم تهران گزارش شد که از میان انواع اعتمادها (اعتماد بین فردی، اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی و اعتماد تعمیم یافته) از کل پاسخ گویان ۹/۴ درصد اعتماد پایین، ۵۷/۵ درصد از اعتماد متوسط، ۳۳/۱ درصد از اعتماد بالایی داشتند (علی پور و همکاران، ۱۳۸۸). تحقیقات انجام شده روی مردم گرگان نیز گزارش شد که اعتماد اجتماعی مردم ۳۹/۳ درصد در حد متوسط و ۲۹ درصد در حالا بالا می باشد (لبینی و همکاران، ۱۳۹۷).

در بررسی دانشجویان کردستان نیز گزارش شد که شاخص اعتماد بین شخصی در ۷/۸ درصد افراد پایین، ۷۰/۴ درصد متوسط و ۲۰/۹ درصد زیاد، شاخص اعتماد تعمیم یافته در ۱۲ درصد افراد پایین، ۷۵/۲ درصد افراد متوسط و ۱۲/۸ درصد زیاد می باشد. آن ها همچنین گزارش دادند که اعتماد نهادی در ۲۲/۲ درصد از افراد نمونه پایین، ۴۹/۴ درصد متوسط و ۲۸/۳ درصد زیاد بود (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۷). در تحقیق دیگری گزارش شد که میانگین شاخص اعتماد بین شخصی در بین پاسخ گویان جوانان بابل ۲/۷۷ از ۵ بود (بابائی زاده بائی، ۱۳۸۹). به نظر می رسد جوانان یزدی هنوز همانند اقشار مختلف جمعیتی شهرهای مختلف کشور به بخشی از اطرافیان، دوستان و خانواده خود اعتماد دارند اما این اعتماد شکننده بوده و می تواند همانند دیگر مؤلفه های اعتماد کاهش یابد.

نتایج نشان داد که میانگین گویه های مشارکت سیاسی انتخاباتی گذشته ۲/۱۵ از ۳ بود که تقریباً نشان از مشارکت سیاسی بالای جوانان یزدی است. این در حالی است که بررسی فراوانی های مربوط به مشارکت سیاسی انتخاباتی آینده نتیجه ای معکوس داشته و میزان مشارکت سیاسی آینده نسبت به مشارکت سیاسی گذشته کاهش می یابد. نتایج نشان داد که ۴۴/۷ درصد افراد مشارکت سیاسی انتخاباتی گذشته داشته اند، اما ۳۰/۸ درصد افراد اظهار داشته اند که حتما در انتخابات آینده شرکت خواهند کرد. مقایسه دو عدد نشان از کاهش حدود ۱۴ درصدی دارد. فراوانی مربوط به گویه های مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی بیانگر آن است که به صورت کلی، میانگین مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی ۱/۵۱ از ۳ است که این میزان، پایین از حد متوسط است. در این راستا گزارش شده مردم گرگان نیز دارای مشارکت سیاسی بالایی هستند چرا که میزان مشارکت سیاسی نیمی از پاسخ گویان در سطح متوسط (۵۰/۶ درصد) به دست آمد. همچنین میانگین مشارکت سیاسی نیز ۲/۸۳ از ۵ گزارش دادند که حد نزدیک به متوسطی از مشارکت سیاسی شهروندان گرگانی دارد (لبینی و همکاران، ۱۳۹۷).

در تحقیق دیگری بر روی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر شیراز گزارش شد که بیشترین فعالیت‌های مشارکتی سیاسی افراد، شرکت در انتخابات و دنبال کردن اخبار سیاسی بوده است. در این تحقیق گزارش شد که ۷۳/۶ درصد از افراد مورد بررسی گرفته‌اند نسبتاً زیاد و خیلی زیاد در انتخابات گذشته شرکت کرده‌اند و میانگین مشارکت در انتخابات ۳/۰۳ نمره بوده است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۵). در تحقیق دیگری روی دانشجویان دانشگاه کردستان گزارش شد که میانگین میزان مشارکت سیاسی معادل ۳۸/۷ درصد بود که بر مبنای مقایسه صفر تا ۱۰۰ پایین ارزیابی می‌شود، آن‌ها همچنین گزارش دادند که در ۹۳/۶ درصد دانشجویان مشارکت سیاسی پایین، ۵۲/۷ درصد مشارکت متوسط و ۷/۷ درصد مشارکت بالا می‌باشد (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۷).

نتایج این پژوهش نشان داد که تأثیر متغیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی معنادار است؛ این متغیر مستقل ۱۰/۷ درصد تغییرات متغیر وابسته مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی را نشان می‌دهد. از طرفی اعتماد به نظام سیاسی ۱۷/۹ درصد تغییرات متغیر مشارکت سیاسی مثبت را توجیه می‌کند که در مقایسه با متغیرهای دیگر، بیشترین میزان تعیین‌کنندگی را داراست. تأثیر متغیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی مثبت نیز معنادار می‌باشد. این متغیر مستقل ۱۶/۵ درصد تغییرات متغیر وابسته مشارکت سیاسی مثبت را توضیح می‌دهد. اعتماد به نظام سیاسی ۳/۳ درصد تغییرات متغیر مشارکت سیاسی منفی را تبیین می‌کند که در مقایسه با متغیرهای دیگر، بیشترین میزان تعیین‌کنندگی را دارا می‌باشد. در این راستا قادرزاده و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه کردستان گزارش داد که مشارکت سیاسی دانشجویان براساس شدت رابطه با متغیرهای مصرف رسانه‌های ارتباط جمعی، امید به آینده، هویت ملی، اثر بخشی سیاسی، اعتماد تعمیق‌یافته، آگاهی سیاسی، اعتماد نهادی، هویت دینی رابطه‌ی معناداری دارد اما متغیرهای اعتماد بین شخصی، هویت قومی با مشارکت سیاسی رابطه معناداری نداشته است، که با نتایج تحقیق همخوانی دارد و نشان می‌دهد وجود اعتماد اجتماعی بالا در بین اقشار جامعه، مشارکت سیاسی آن‌ها را به همراه دارد.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول مقاله در رشته جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی است که در دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد تهران به انجام رسیده است. نویسندگان مقاله از کلیه افرادی که برای به ثمر رسیدن این پایان‌نامه و مقاله حاضر همکاری داشته‌اند، تشکر می‌کنند.

منابع

- امام‌جمعه زاده، سید جواد؛ محموداوغلی، رضا و عیسی‌نژاد، امید (۱۳۸۹). بررسی میزان دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان، *پژوهشنامه علوم سیاسی*. ۱۶(۱): ۷ تا ۳۴. https://www.ipsajournal.ir/article_135.html
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، (ترجمه مریم وتر)، تهران: کویر.
- بابازاده بائی، علی. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی، مطالعه موردی افراد ۲۰ سال و بالاتر شهر بابل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران.

- باقری، معصومه؛ شجاعی، حسن و کیانی، سارا (۱۴۰۰). فراتحلیل مطالعات سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی ایران. *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*. ۱۳۷، (۱)، ۱۴۱-۱۷۲. <https://doi.org/10.30513/iss.2021.3400.1180>
- بصیری، محمدعلی و شادی‌وند، داریوش (۱۳۸۰). رفتار انتخاباتی در جوامع مبتنی بر فرهنگ عشیره‌ای: مطالعه موردی حوزه انتخابیه دهلران. *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*. ۱۶۷ و ۱۶۸: ۱۹۷-۱۹۰. <http://ensani.ir/fa/article/104428>
- حیدری، آرمان، محمدی، اسفندیار و باقری، شهلا (۱۳۹۶). بررسی رابطه اعتماد نهادی با گونه‌های مشارکت سیاسی (مورد مطالعه شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن شهر شیراز). *راهبرد اجتماعی فرهنگی*. ۶، (۲)، ۱۴۱-۱۷۲. https://rahbordfarhangi.csr.ir/article_125896.html
- خواجهرسروی، غلامرضا؛ خرمشاد، محمدباقر؛ رهبر، عباسعلی و محمودی رجا، سیدذکریا (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان؛ مورد مطالعه: مشارکت قوم ترکمن در انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۱۰، (۳۷)، ۷۳-۱۱۲. <https://doi.org/10.22054/qps.2021.51189.2499>
- خوش فر، غلامرضا (۱۳۸۷). تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی مطالعه موردی استان گلستان، پایان نامه مقطع دکترای جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- رئیدی، سیماء؛ فضل‌ی، حسین؛ توحیدفام، محمد و طاهری، احمدرضا (۱۳۹۹). موانع نهادی مشارکت سیاسی زنان منطقه بلوچستان. *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*. ۱۸، (۲): ۳۱۳-۳۳۴. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2020.282601.1007650>
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۷). *اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی*، (ترجمه غلامرضا غفاری)، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). *دایرة المعارف علوم اجتماعی*، تهران: موسسه کیهان.
- ساکی، امیر (۱۳۹۹). بررسی نقش شبکه استانی آفتاب در مشارکت سیاسی مردم استان مرکزی (شهر اراک). *مطالعات رسانه‌ای*، ۱۵، (۵۱): ۵۹-۷۶. <https://www.sid.ir/paper/515433/fa>
- سفیری، خدیجه، و صادقی مریم (۱۳۸۸). مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. *جامعه‌شناسی کاربردی*. ۲۰، (۲): ۳۴-۱. <https://dori.net/dor/20.1001.1.20085745.1388.20.2.1.5>
- شارع پور، محمود (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی: مفهوم‌سازی، سنجش و دلالت‌های سیاست‌گذاری*، ساری: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مازندران.
- صالح آبادی، ابراهیم (۱۳۹۹). تحصیلات، فرهنگ سیاسی و مشارکت انتخاباتی. *جامعه‌شناسی کاربردی*. ۳۱، (۱): ۶۵-۹۰. <https://doi.org/10.22108/jas.2019.114578.1589>
- علی پور، پروین؛ زاهدی، محمد جواد و شیانی ملیحه (۱۳۸۸). اعتماد و مشارکت: بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران. *جامعه‌شناسی ایران*، ۱۰، (۲)، ۱۰۹-۱۳۵. http://www.jsi-isa.ir/article_21400.html
- قادرزاده، امید؛ شریفی، فاطمه و حسن خانی‌الناز (۱۳۹۸). مشارکت سیاسی و عوامل مرتبط با آن: مطالعه پیمایشی دانشجویان دانشگاه کردستان. *مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی*، ۷، (۴)، ۹۳-۱۲۹. <http://journals.sabz.ac.ir/scds/article-1-569-fa.html>

کشاوری سعید، و عربی، علی (۱۳۹۹). ایرانیان و مشارکت سیاسی: فراتحلیل انتقادی مطالعات انجام شده در زمینه مشارکت سیاسی در ایران. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی شدن)*. ۱۰(۳۵): ۲۷۶ تا ۲۹۷.

https://sspp.iranjournals.ir/article_48012.html

کلمن، جیمز (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*، (ترجمه منوچهر صیوری)، تهران: نشر نی.

لیبی، مهدی؛ خوش فر غلامرضا؛ باقری جلودار، مصطفی و میرزاخانی شهربانو (۱۳۹۷). اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی در شهروندان شهر گرگان. *رفاه اجتماعی*، ۱۸(۷۰): ۲۰۹-۲۳۹. <http://dx.doi.org/10.29252/refahj.18.70.209>

مجدی نسب، محمد اسلام (۱۳۹۳). *مشارکت سیاسی چگونگی و چرایی*. تهران: جامعه‌شناسان.

مجدی، علی اکبر (۱۳۸۳). پاسخ‌گویی و نقش آن در تقویت اعتماد اجتماعی. *فصلنامه اندیشه*. ۴۹(۵): ۳۱۲ - ۳۱۳.

<https://ensani.ir/fa/article/99471>

مسعودنیا، حسین؛ رهبرقاضی، محمودرضا؛ مهرابی کوشکی، راضیه و پوررنجبر، مهدیه (۱۳۹۵). بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر شیوه‌های مختلف مشارکت سیاسی. *مسائل اجتماعی ایران*. ۵(۲): ۷۷-۹۴. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.24766933.1393.5.2.5.4>

نیازی، محسن؛ حسن‌زاده، زهرا؛ تورنجی پور، فاطمه و سخایی، ایوب (۱۳۹۹). مطالعات رابطه بین دین‌داری و مشارکت سیاسی شهروندان در ایران در دهه ۱۳۹۴-۱۳۸۴. *مجلس و راهبرد*. ۲۷(۱۰۲): ۲۱۳-۲۳۹. <https://ensani.ir/fa/article/430482>

Ahmad, T., Alvi, A., and Ittefaq, M. (2019). The Use of Social Media on Political Participation among University Students: An Analysis of Survey Results from Rural Pakistan. *SAGE Open*, 9(3). <https://doi.org/10.1177/2158244019864484>

Almond, G. (1995). *The Civic Culture*. Boston: Little brown company.

Gukova, R., Nechaev, D., Polovneva, L., Krivets, A., Berdnik, E., and Gukov, D. (2019). "Youth Political Participation in Russia Influence of Voluntary Associations". *International Journal of Innovative Technology and Exploring Engineering* 8(3), 13-23. <http://doi.org/10.35940/ijitee.I3004.0789S319>

Rose, R. (1999). Getting things done in an anti-modern society: social capital Networks in Russia. In: Dasgupta, P., & Serageldin, I., (ed.s), *Social Capital: A Multifaceted Perspective*, (pp: 147-171), Washington, D.C.: World Bank. <https://documents1.worldbank.org/curated/en/663341468174869302/pdf/multi-page.pdf>

Orfan, S. N. (2021). "Political participation of Afghan Youths on Facebook: A case study of Northeastern Afghanistan". *Cogent Social Sciences*, 7(1), 1-10. <https://doi.org/10.1080/23311886.2020.1857916>